

تصویر هنری در سخنان امام رضا (ع) مطالعه موردی: دعای امام زمان (عج)

دکتر خلیل پروینی^۱

دکتر عیسی متقی زاده^۲

سمیه ثامنی^۳

چکیده

تصویر هنری به عنوان یکی از معیارهای زیبایی اثر ادبی از دیرباز تا کنون مورد توجه علمای بلاغت و ناقدان قرار گرفته و در طول زمان مفهوم آن وسعت یافته است و افزون بر انواع بلاغی تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز، زمینه‌های دیگر مانند رمزها، نغمه کلمات، آهنگ جملات، رنگ‌ها، توصیفات دقیق و رویارویی صحنه‌ها و غیره را نیز دربرمی‌گیرد. دعا، روی آوردن به خداوند و درخواست از او با تضرع و التماس است که قسمتی عظیم از میراث امامان معصوم (ع) را به خود اختصاص داده است و ضمن دربرداشتن مفاهیم دینی و اعتقادی، از جمله انواع ادبیات اسلامی به شمار می‌آید که تابلوهایی زیبا و دل‌نشین را به نمایش می‌گذارد. سخنان امام رضا (ع) نیز انواع ادبی شامل حدیث، دعا، زیارت، توصیه، خطبه، مناظره و شعر شمرده می‌شود.

مقاله حاضر در پی آن است که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به بررسی مؤلفه‌های تصویر هنری یکی از دعا‌های امام رضا (ع) با توجه به مفهوم تصویر هنری در نقد جدید بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده آن است که امام (ع) ضمن دعایشان برای امام زمان (عج) از تصاویری زنده و پویا بهره گرفته و با استفاده از تشبیهات، استعارات، کنایات و مجازهای نغز و لطیف و نیز موسیقی عبارتها، تکرار حروف، فاصله، تقابل‌ها و ترادف‌ها به این تصویرهای ماهرانه روح و حیات بخشیده‌اند.

واژگان کلیدی: امام رضا (ع)، دعای امام زمان (عج)، تصویر هنری.

۱. استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس parvini@modares.ac.ir

۲. دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تربیت مدرس motaqizadeh@modares.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی تهران sameni@yahoo.com

مقدمه

تصویر هنری، ترسیم تابلوهای زیبای هنری است که از طریق آن ادیب، افکار و اندیشه‌های خود را در لباسی از الفاظ هنرمندانه به تصویر می‌کشد و آن‌ها را قابل حسّ و لمس می‌گرداند و بین لفظ و معنا ارتباطی برقرار می‌سازد و به این وسیله، احساسات و عواطف مخاطب را برمی‌انگیزد و اثری ژرف در جان او باقی می‌گذارد. چنان‌که احمد شایب تصویر راه، ابزاری برای ادای معانی و بیان حقایق و احساسات قرار داده است و آن را عاملی می‌داند که ادیب، اندیشه و عاطفه‌اش را به وسیله آن به خوانندگان و شنوندگانش انتقال می‌دهد. (شایب، ۱۹۹۴: ۳۴۲)

نمونه‌های تصویر آفرینی از گذشته‌های دور در آثار ادیبان به چشم می‌خورد. در عصر اسلامی نمونه‌ی والای تصویر آفرینی در قرآن کریم ظهور پیدا می‌کند. «تصویرسازی اسلوب اصلی قرآن کریم است. قرآن با تصاویر حسی و تخیلی، معانی ذهنی و حالات درونی و اتفاقات محسوس و مناظر قابل رؤیت و نمونه‌های انسانی و سرشت آدمی را بیان می‌کند، سپس تصاویر را به درجه بالاتر می‌رساند و به آن حرکت و حیات می‌بخشد.» (قطب، ۱۴۰۸: ۳۶) پس از آن نمونه‌ی والا، پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) با سرمشق گرفتن از قرآن کریم، مفاهیم بلند آسمانی را در صحنه‌های بدیع و شگفتی به نمایش گذارده‌اند. چنان‌که امام علی (ع) در بخشی از خطبه ۲۳۳ نهج‌البلاغه در مورد بلاغت اهل بیت (ع) می‌فرمایند: «*أَنَا لِأَمْرَاءِ الْكَلَامِ، وَفِينَا تَنْشَبَتْ عُرُوقُهُ، وَعَلَيْنَا تَهَلَّلَتْ عُصُونُهُ*». «ما امیران سخن هستیم، درخت سخن در ما ریشه دوانده و شاخه‌هایش بر ما سایه افکنده است.» و اثرگذاری سخنان ایشان به اندازه‌ای است که امام باقر (ع) فرمودند: «*إِنَّ كَلَامِي لَوْ وَقَعَ طَرَفُ مِنْهُ فِي قَلْبٍ أَخَذَ كُمْ لَصَارَ مَتِيئًا*» «به راستی اگر بخشی از سخن من به دل یکی از شماها نشست بود حتماً جان می‌داد.» (حرّانی، ۱۴۰۴: ۲۹۱)، بنابراین می‌توان بیان کرد که سخنان امامان معصوم (ع) از نمونه‌های با ارزش در ادبیات اسلامی به شمار می‌آید. ادبیات اسلامی، ثمره تأثیر متقابل نیروهای مؤثر ایمان و توحید است که ادبیات، آن را به شکلی غنی و بارور نشان می‌دهد و زیبایی آن، نتیجه درخشش و واکنش بین ویژگی‌های ایمانی و فنی است، میدان و وسعت آن، آفاق هستی، زندگی، انسان، دنیا و آخرت، رسالتش الهی است، در جهت اهداف ربانی و الهی تلاش می‌کند و در ساختن تمدنی که باور مطلق به خداوند است شریک می‌باشد (نحوی، ۲۰۰۳: ۷۳-۷۴). سخنان امام رضا (ع) نیز که از انواع ادبیات اسلامی شامل: حدیث، دعا، زیارت، خطبه، توصیه و مناظره و شعر می‌شود، روح ادب و هنر در آن‌ها دمیده شده است و ایشان با کلماتی ساده که برای همگان قابل فهم باشد، تصویرهایی خلق

کرده‌اند که حرکت و پویایی در آن‌ها موج می‌زند. دعاهای ایشان نیز از نمونه‌های شگفت‌انگیز ادبیات اسلامی است که از زبانی ادبی برخوردار است.

بررسی سخنان امام رضا (ع) و دعاهای ایشان از لحاظ جنبه‌های ادبی و هنری مورد غفلت واقع شده و بسیاری از اسرار زیبایی و هنری آن نهفته مانده است؛ بنابراین در این مقاله، هدف بررسی چگونگی تصاویر هنری در دعاهای ایشان با استفاده از روش توصیفی تحلیلی می‌باشد. و سعی بر آن است که در خلال این مقاله به این سؤالات پاسخ داده شود:

۱. امام رضا (ع) از چه ابزارهایی برای تصویرآفرینی هنری در نیایش خود با خداوند بهره می‌برند؟

۲. این ابزارها چگونه بین لفظ و معنا پیوند برقرار کرده است؟

برای پاسخ به این سؤالات، دعاهای امام رضا (ع) مورد بررسی قرار گرفت و از آن‌جا که مجال پرداختن به تمامی دعاهای این امام همام وجود نداشت، به یک مورد از دعاهای ایشان بسنده گردید. انتخاب این دعا از آن جهت است که در آن، تصاویر هنری و تنوع آن‌ها نسبت به سایر دعاها بیش‌تر احساس گردید و چون با این که محتوای آن در مورد امام عصر (عج) است و در کتاب مفاتیح الجنان آمده، اما هم‌چنان مهجور مانده، بر آن شدیم که به این دعا پردازیم. چه بسا این پژوهش بتواند گامی در جهت شناخته شدن این دعا از لحاظ بار دینی و ادبی آن گردد.

۱- پیشینه تحقیق

کتاب‌ها و پژوهش‌های فراوان در زمینه تصویر هنری در قرآن کریم انجام شده است، از جمله کتاب‌هایی که در این باره نگارش یافته‌اند، می‌توان به کتاب "التصویر الفنی فی القرآن" اثر سید قطب و "الصورة الأدبية فی القرآن الکریم" اثر صلاح الدین عبدالتواب و "وظيفة الصورة الفنية فی القرآن الکریم" نوشته عبدالسلام راغب اشاره کرد. پایان‌نامه‌ای نیز تحت عنوان "الصورة الفنية فی القصة القرآنية" به قلم بلحسینی نصیره نوشته شده است. نویسندگان در این آثار نموده‌های تصویر هنری را در قرآن بررسی کرده و از بسیاری از جوانب هنری و ادبی آن‌ها پرده برداشته‌اند.

در مورد پژوهش‌ها و کتاب‌هایی که درباره اهل بیت (ع) نگارش یافته است، در ادبیات عربی کتاب "التصویر الفنی فی خطب المسیرة الحسينية" اثر هادی سعدون هنون می‌توان اشاره کرد و در فارسی هم حمید محمد قاسمی سه جلد کتاب در زمینه تصویر پردازی با عناوین "جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی روایات ائمه اطهار (ع)" و "نهج البلاغه و روایات نبوی تألیف کرده است.

مقالاتی هم در این زمینه به عربی و فارسی نوشته شده است، از جمله آن‌ها می‌توان: " تصویرپردازی‌های زنده در خطبه‌های نهج البلاغه" نوشته مرتضی قائمی و مجید صمدی و "الصورة الفنية في كلام الامام علي (ع)" نگاشته خالد محیی‌الدین البرادعی و "مؤلفه‌های تصویر هنری در نامه سی و یکم نهج البلاغه" تألیف محمد خاقانی و حمید عباس‌زاده را برشمرد.

اما در زمینه تصویرآفرینی هنری سخنان امام رضا (ع)، پژوهشی انجام نشده است، تنها محمود بستانی در کتاب "تاریخ الأدب العربی فی ضوء المنهج الاسلامی" به بررسی چند نمونه از احادیث هنری امام رضا (ع) و یک نمونه خاطره از ایشان پرداخته است و در آن، از یک سو عناصر هنری (ایقاع، صوری، لفظی، بنایی و شکلی) را بیان کرده و از سوی دیگر به عناصر فکری آن‌ها (فلسفی، اخلاقی، اجتماعی) اشاره نموده است. با توجه به خلأ موجود در زمینه سخنان امام رضا (ع) به طور کلی و دعاهای آن حضرت به طور خاص، ضرورت تحقیق و بررسی سخنان ایشان احساس گردید و دعای ایشان به عنوان نمونه، مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

۲- تعاریف و مفاهیم

۲-۱: تعریف تصویر هنری

در معاجم عربی، در تعریف مدلول کلمه تصویر (الصورة) چنین آمده است " الصورة بالضم: الشكل و الجمع صور و قد صوره فتصور، و تستعمل الصورة بمعنى النوع و الصفة" (فیروزآبادی، ۲۰۰۵: ۴۲۷) و "الصورة: الشكل و التمثال المجسم و فی التنزیل العزیز «أَلَدَى خَلَقَكَ فَسَوَّاكَ فَعَدَلَكَ فِى أَى صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ» و صورة المسألة و الأمر: صفتها" (أنیس، ۲۰۰۴: ۵۲۸)

در زبان عربی، تصویر آفرینی هنری با نام "الصورة الفنية" شناخته می‌گردد. از گذشته تا کنون تعاریفی مختلف برای مفهوم اصطلاحی تصویر هنری عرضه شده است که بیان‌گر تعدد دلالت‌های آن می‌باشد. نمونه این تلاش‌ها در کتاب‌های نقد قدیم مشاهده می‌شود. جاحظ (۲۵۵ه) نخستین کسی است که به تصویر در شعر اشاره می‌کند و شعر را فنی می‌داند که به تصویرگری می‌پردازد: " شعر گونه‌ای از بافندگی و نوعی از تصویر است" (جاحظ، ۱۹۳۸: ۱۳۱-۱۳۲) بلاغیان و ناقدان پس از او، از اندیشه‌هایش استفاده کردند و تلاش نمودند تا اهمات خود را در جهت صفات حسی در تصویرگری ادبی و تأثیر آن در ادراک معنا و نقش یافتنش در ذهن سوق دهند (صائغ، بی‌تا: ۱۷۰)، اما مفهومی جدید از تصویر ارائه ندادند تا این که عبد القاهر جرجانی (۴۷۱ه) وارد عرصه‌ای

جدید از تصویرآفرینی شد و میان لفظ و معنا پیوند برقرار کرد و شکل‌گیری تصویر را نتیجه تعامل دو طرفه لفظ و معنا دانست " بدان که سخن ما هنگامی که از تصویر گفتگو می‌کنیم، همانا تمثیل و قیاسی است برای آن‌چه که با عقل‌هایمان درک می‌کنیم بر آن‌چه که با چشمانمان می‌بینیم" (جرجانی، ۱۹۸۹: ۳۲۰) بعد از او حازم القرطاجنی (۵۶۸۴) می‌گوید: " معانی، تصاویر حاصل از اشیا و موجودات بیرونی در ذهن هستند و هرچیزی که وجود خارجی در ذهن داشته باشد، هنگامی که درک می‌شود در ذهن نیز حضور پیدا می‌کند، پس هنگامی که از تصویر ذهنی تعبیر می‌شود، الفاظ به منزله شکل و بدنه آن تصویر در ذهن و فهم مخاطبان جاری می‌گردند." (قرطاجنی، ۱۹۶۶: ۱۸-۱۹) بلاغیان متأخر مانند سکاکی و خطیب قزوینی مفهوم تصویر را محدود نمودند.

از آن‌چه بیان گردید، روشن می‌شود که تصویرآفرینی، موضوعی جدید نیست؛ بلکه ریشه در سخنان عالمان بلاغت از گذشته‌های دور دارد و در طول زمان، مفهوم آن گسترش یافته است؛ هرچند که هم‌چنان اختلاف دیدگاه‌ها درباره مفهوم تصویر وجود دارد که به بیان برخی از این تعاریف بسنده می‌کنیم. " تصویر، رابطه‌ای صریح یا ضمنی بین دو تعبیر یا بیش‌تر می‌باشد که این رابطه، ضرورت رابطه تماثل نیست، این رابطه به نحوی است که بر یکی از تعبیر یا مجموعه‌ای از آن‌ها، صبغه‌ای از عاطفه را افزایش می‌دهد و معنای خیال‌انگیز آن را که همیشه و به ضرورت معنای لغوی آن نیست، افزایش می‌دهد و ارائه و بازآفرینی آن تا حدی زیاد از طریق ارتباط یا تطابق و هم‌آهنگی آن با تعبیرات دیگر صورت می‌پذیرد" (عبدالله، بی‌تا: ۹۸) و در تعریفی دیگر آمده است "تصویر با این معنای جدید، گاهی مواقع کاملاً از مجاز خالی است و عبارات در معنای حقیقی خود به کار رفته‌اند. با این وجود، تصویر، صورتی است که دلالت بر خیالی پر بار می‌کند" (بطل، ۱۹۸۱: ۲۵) سلوم نیز تصویر هنری را این‌گونه توضیح می‌دهد " ترکیب معنی و الفاظ و خیال همان چیزی است که تصویر ادبی نامیده می‌شود و از ارتباط و تناسب و یک بار مشاهده آن هنگام نقد متن، ارزیابی سالم ادبی انجام می‌گیرد." (سلوم، ۱۹۶۷: ۸۱/۱) در یک جمع‌بندی از تعریف‌هایی که در این مورد آمده است، می‌توان گفت تصویر عبارت از رابطه‌ای است که در متنی ادبی بین لفظ و معنا وجود دارد و آن‌چه متن ادبی به آن قوام می‌یابد و از سایر متون با احساسات و هیجاناتی که دارد، متمایز می‌شود، ظاهر لفظ آن را الهام نمی‌کند و مجرد معنای آن را محقق نمی‌سازد و آن آمیخته‌ای از دلالت‌های لفظ و الهامات معنا است و یا به عبارتی، مجموعه روابط زبانی، بیانی و القایی موجود بین لفظ و معنا یا شکل و مضمون است و بر این اساس، تصویر، ابزاری هنری برای

دربرگرفتن ابعاد شکل و مضمون با مشخصاتی است که دارند و آنچه بین آنها وجود دارد جدایی میانشان را غیر ممکن می‌سازد. (صغیر، بی تا: ۲۴) پس تصویر آفرینی، استفاده از الفاظ و عبارات برای ابراز مقصود با بیانی خیالی و سحر انگیز است که عواطف و احساسات مخاطب را برمی‌انگیزد و صحنه‌هایی زنده و بدیع را خلق می‌نماید. و ابزارهایی که به این منظور به کار می‌روند همان‌گونه که عبدالقادر الرباعی بیان می‌دارد منحصر در صور بلاغی تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز نمی‌شود. " تصویر نزد من ترکیبی نیست که تنها تشبیه یا استعاره یا کنایه آن را مجسم می‌نماید؛ بلکه تصویر بنایی وسیع است که در آن مجموعه‌ای از تصویرهای جداگانه با روابط فراوان خود در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند تا این که حلقه‌هایی درهم آمیخته و اجزایی با ریسمان‌های دقیق که آنها را به هم پیوند داده است، تشکیل دهند. " (رباعی، ۱۹۷۴: ۵۴) بنابراین موسیقی کلمات، آهنگ عبارات و رنگ‌ها، تقابل و رویارویی صحنه‌ها، رموز نیز در شکل‌گیری تصویر نقش ایفا می‌کنند.

۲-۲: تعریف دعا

در معنای لغوی دعا آمده است: « الدعاء: ج أَدْعِيَة مصدر دَعَا و دعاه: او را مورد ندا قرار داد، به سوی او تمایل پیدا کرد، از او طلب کمک کرد. » (معلوف، ۱۳۷۹: ۲۱۶) هم‌چنین راغب می‌گوید: « دعوا: دعاء، خواندن، استغاثه و یاری خواستن، هم‌چنین دعا به معنای فراخواندن و به سوی چیزی دعوت و ترغیب کردن نیز آمده است. » (راغب، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

در معنای اصطلاحی دعا از دیدگاه دینی، تعریفات زیادی بیان شده است که نقطه مشترک آنها روی آوردن به خداوند و درخواست کردن از او با تضرع و التماس است، خطابی در مفهوم دعا می‌گوید: «دعا به معنای درخواست توجّه و عنایت بنده از پروردگارش و طلب کمک و یاری از او است، و حقیقت آن بیان نیاز بنده به خداوند و تبری جستن از توان و قدرت الهی است. (خطابی، ۱۹۹۲: ۳) هم‌چنین آمده است: "خواندن بنده، خدای خویش را است، خواه به منظور درخواست حاجتی از حوایج خویش باشد یا صرفاً به خاطر برقرار نمودن رابطه عبودیت، ارتباط بنده با خدای خویش به دل و به زبان، که روح عبودیت و مغز بندگی است" (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۸۶)

دعا و درخواست از خداوند سه گونه است: " نخست بیان توحید و ثنای الهی چنان که گویند لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، دوم درخواست رحمت و بخشش از خداوند چنان که گویند اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا، گونه سوم درخواست بهره‌دنیایی است؛ چنان که می‌گویند « اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي مَالاً وَ وُلْدًا»، به تمام این گونه‌ها، دعا

گفته می‌شود؛ زیرا انسان در آغاز درخواست خود می‌گوید: یا الله، یا رب، یا رحمن" (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۲۵۷/۱۴)

دعا به عنوان یکی از حوزه‌های مهم در ادبیات اسلامی هم مورد توجه قرار گرفته است، چنان که ترجمان می‌گوید: "دعا گونه‌ای از گونه‌های ادبیات اسلامی است که از لحاظ اسلوب و ادبیات با خطبه و نامه و وصیت و دیگر انواع متفاوت است، به این دلیل که تجلی‌گاه خضوع، خشوع و ستایش مدعو که خدای عزوجل است و توسل و اصرار بر خواسته می‌باشد" (ترجمان، ۲۰۱۱: ۲۳۱)

بنابراین دعا از بزرگ‌ترین عبادت‌ها است که مظهر عبودیت و نیاز به خدای تعالی و رابطه‌ای بین بنده و خداوند است که مخلوق در جایگاه ادنی به سوی خالق که در جایگاه اعلی است، روی می‌کند و با منبع لطف و کرامت به راز و نیاز می‌پردازد و از دریای خروشان لطفش تقاضای رفع نیازها و خواسته‌های خویش را می‌کند. خداوند نیز بندگانش را در قرآن کریم به دعا امر کرده و به آنان وعده اجابت داده است: «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ» (بقره/ ۱۸۶) «و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند [بگو] من نزدیک هستم و دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند»

۳- دعای امام رضا (ع) درباره امام زمان (عج)

دعا از ذخایر غنی دینی و معرفتی در میراث به جای مانده از ائمه اطهار (ع) به شمار می‌رود. در سخنان امامان (ع) گنجینه‌های پرباری از دعا وجود دارد که از نمونه‌های معروف آن می‌توان به دعاهای باشکوه امام علی (ع) در نهج البلاغه و امام سجّاد (ع) در صحیفه سجادیه اشاره کرد. نمونه‌هایی فراوان از دعاهای اهل بیت (ع) در کتاب‌های شیعی چون مصباح‌المتجهّد نوشته شیخ طوسی، اقبال الأعمال نگاشته سید بن طاووس، بلد الامین نگارش یافته کفعمی الدعوات و منهج العبادات تألیف سیدبن طاووس گردآوری شده است. نمونه ذکر شده در ذیل یکی از دعاهای امام رضا (ع) برای امام عصر (عج) می‌باشد که از کتاب مصباح‌المتجهّد انتخاب شده است. دعاهایی دیگر نیز از امام (ع) در موضوعات مختلف هم‌چون مواقع سختی و شدت، سلامتی، دفع مریضی، سفر رفتن، شکرگزاری، دفع دشمنان و ... نقل شده است که از میان آن‌ها به این دعا می‌پردازیم.

۳-۱: متن دعا

الف - فراز اول

«اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتَكَ عَلَى خَلْقِكَ وَلسَانِكَ الْمُعَبَّرَ عَنْكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةَ بِأَذْنِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحَّاحِ الْمُجَاهِدِ، الْعَائِدِ بِكَ، الْعَابِدِ عِنْدَكَ، وَأَعِذْهُ مِن شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ وَعَن يَمِينِهِ، وَعَن شِمَالِهِ، وَمِن فَوْقِهِ وَمِن تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَن حَفَظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآبَاءَهُ أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَآمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَاقِعِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ مَن آمَنَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يَرَامُ مَن كَانَ فِيهِ، وَانصُرْهُ بِنصْرِكَ الْعَزِيزِ وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ وَقُوَّةِ بَقْوَتِكَ وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ وَوَالٍ مِّنْ وَالِيهِ وَوَالِدٍ مِّنْ عَادَاتِهِ وَأَلْبِسْهُ دَرْعَكَ الْحَصِينَةَ وَحُفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا.»

«خدایا دور کن (هر بلایی را) از نماینده و خلیفه‌ها و حجّت تو بر آفریدگانت و زبان سخنگوی از جانبت و گویای به حکمتت و دیده‌بینای تو به اذن خودت و گواه تو بر بندگان، آن بزرگ مرد مجاهد و پناهنده به تو و پرستش‌کننده در نزد تو، پناهش ده از شرّ تمام آنچه آفریده‌ای و خلق کردی و پدید آوردی و صورت بخشیدی و نگهداری اش کن از پیش رویش و از پشت سرش و از طرف راستش و از سمت چپش و از بالای سر و از زیر پایش به نگهداری خودت که تباه نگرده هر که را به آن نگهداری کنی و نگهداری کن در وجود او (و به وسیله آن حضرت) (آیین) پیامبرت و پدران او که پیشوایان و پایه‌های دین تو هستند و قرار ده آن حضرت را در سپرده خودت که چیزی در آن ضایع نگردد و در جوار تو که قرقش شکسته نشود و در بازدارندگی و نیرومندی که مقهور کسی نگردد و ایمن دار او را به امان محکمت که هر که را به آن ایمن کردی خوار نگردد و در حمایت خودت قرارش ده که هر که در آن باشد مورد دست‌برد کسی واقع نگردد و یاریش کن به یاری نیرومندی و کمکش کن به لشکر چیره‌ها و نیرومندی کن به نیرویت و فرشتگانت را پشت سرش بدار و دوست دار کسی را که دوستش دارد و دشمن دار کسی را که دشمنش دارد و پیوشان به او زره محکمت را و گرداگردش فرشتگانت را به او بگمار.»

ب- فراز دوم

اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ وَأْمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَأُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَزَيِّنْ بِطَوْلِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ وَ
 أَيْدِهِ بِالنَّصْرِ وَاَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ وَقَوِّ نَاصِرِيهِ وَاحْذُلْ خَاذِلِيهِ وَدَمِّمْ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَدَمَّرْ مَنْ غَشَّهَ وَاقْتُلْ بِهِ
 جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمُدَّهُ وَدَعَائِمَهُ واقصم به رؤوس الضلالة وشارعة البدع و مميتة السنة، و مقوية الباطل
 و دَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أْبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا،
 وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دَبَّاراً وَ لَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَراً. اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَ اشْفِ مِنْهُمْ
 عِبَادَكَ، وَ اعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَحْيِ بِهِ سُنْنَ الْمُرْسَلِينَ وَ دَارِسَ حُكْمِ النَّبِيِّينَ وَ جَدِّدْ بِهِ مَا امْتَحَى مِنْ دِينِكَ
 وَ بَدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدِيهِ جَدِيداً غَضّاً مَحْضاً صَاحِحاً لَا عَوْجَ فِيهِ وَ لَا بَدْعَةَ
 مَعَهُ وَ حَتَّى تُتَبِّرَ بَعْدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ، وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَ تُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ، فَإِنَّهُ
 عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ وَ اصْطَفَيْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ وَ عَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَ بَرَأْتَهُ مِنَ الْغُيُوبِ، وَ
 طَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ وَ سَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ.»

«خدايا ترميم کن به وسيله اش شکاف در (دين) را و پيوست کن به وسيله اش گسيختگی را و
 بميران به دستش ستم را و نمايان کن توسط او عدالت را و زينت ده به درازی ماندنش زمين را و
 کمکش کن به یاری خود و یاریش کن به ایجاد رعب (او در دل دشمنان) و نیرومند کن یاورانش
 را و خوار گردان خودداری کننده از یاریش را (واگذارنده اش) و به هلاکت رسان کسی که نسبت
 به او دشمنی ورزد و نابود کن کسی که به او خیانت کند و بکش به دست او گردن کشان کفر و
 تکیه گاه ها و ستون های آن را و درهم بشکن توسط آن حضرت (شوکت) سران گمراهی و
 پدید آورندگان بدعت و میراندگان سنت و تقویت کنندگان باطل را و خوار کن به دستش
 گردنکشان را و ریشه کن ساز به وسیله آن حضرت کافران و تمام بی دینان را در شرق ها و غرب ها و
 خشکی و دریا و سرزمین های هموار و کوه زمين تا آنجا که فردی از آن ها باقی و اثری از ایشان
 بر جای نگذاری. خدايا پاک کن از وجود آن ها، شهرها و بلاد را و شفا ده به نابودیشان بندگان
 را و عزت بخش به آن وسيله، مؤمنان را و زنده کن به وسیله آن جناب آيين رسولان و احکام کهنه
 پیامبران را و تازه کن به وسیله آن چه محو گشته از دینت و تغییر یافته از فرمانت تا این که
 بازگردانی دینت را به وسیله او و به دست ایشان جدید و تازه و خالص و صحیح که هیچ کجی در
 آن نباشد و بدعتی همراهش نباشد و تا این که روشن کنی به وسیله عدالتش، تاریکی های بیدادگری

و خاموش گردانی به وسیله‌اش آتش‌های کفر و آشکار گردانی به ایشان گره‌های حق و موارد ناشناخته عدل را، زیرا او بنده تو است که انتخابش کردی برای خودت و برگزیده‌اش برای غیب خود و نگاهش داشتی از گناهان و مبرایش گردانیدی از عیب‌ها و پاکش کردی از پلیدی و سالمش داشتی از چرکی.»

ج- فراز سوم

«اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حُوبًا وَلَا يَرْتَكِبُ مَعْصِيَةً وَلَا يَضِيعُ لَكَ طَاعَةً وَلَا يَهْتِكُ لَكَ حُرْمَةً وَلَا يُمِدُّ لَكَ فَرِيضَةً وَلَا يَغَيِّرُ لَكَ شَرِيْعَةً، وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، عَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا حَتَّى يُجْرِيَ حُكْمَهُ، عَلَى كُلِّ حُكْمٍ وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ.»

«خدایا ما برای او در روز قیامت و روز وقوع آن حادثه بزرگ گواهی دهیم که به راستی او گناهی مرتکب نشده و دست به کار زشتی نزده و مرتکب معصیتی نشده و هیچ فرمانبرداری تو را وانگذاشته و حرمتی را از تو هتک نکرده و واجبی را تغییر نداده و آیینی را به هم نزده و او است راهنمای راه یافته پاک پرهیزکار، دوستدار پاکیزه خدایا به او عطا کن برای خودش و خاندان و فرزندان و نژاد و ملت و تمام افراد رعیت (و فرمانبردارانش) آنچه چشمش را به آن روشن کنی و وجودش را به آن خوشحال گردانی و گردآوری برای او فرمانروایی همه مملکت‌ها را، نزدیک و دورش را و نیرومند و خوارش را تا این که حکم و فرمانش را بر فراز همه فرمان‌ها جاری کنی و به وسیله (آیین) حق او هر باطلی را مغلوب گردانی.»

د- فراز چهارم

«اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَى يَدِيهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَيَلْحَقُ بِهَا النَّالِي وَ قَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ وَ تَبَتْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ وَ آمَنَّا عَلَيْهِ بِمُتَابَعَتِهِ وَ اجْعَلْنَا فِي حَزْبِهِ الْقَوَامِينَ بِأَمْرِ الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ مُقَوِّتِيهِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَ شُبْهَةٍ، وَ رِيَاءٍ وَ سَمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ وَ لَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ وَ حَتَّى تُحَلِّنَا مَحَلَّهُ وَ تَجْعَلْنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ وَ أَعِدْنَا مِنَ السَّامَةِ

وَ الْكَسَلِ وَ الْفِتْرَةِ وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ تُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ وَ لَا تَسْتَبَدِّلْ بِنَا غَيْرَنَا فَإِنَّ
إِسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ.»

«خدایا ما را به دست آن بزرگوار در راه روشن هدایت و جاده بزرگ تر (دیانت) و طریقه میانه‌ای قرار ده که بازگردد به آن راه، پیش افتاده تندرو و خود را به آن عقب مانده برساند، و نیرویمان ده برای فرمانبرداری‌اش و پابرجایمان دار بر پیروی‌اش و منت گذار بر ما به متابعت از آن حضرت و در گروه او قرارمان ده، آنان که به شدت به دستورش قیام کنند و با او صبر کنند و در خیرخواهی کردن نسبت به او جوینده رضا و خوشنودی تو می‌باشند تا این که در روز قیامت ما را جزء یاران و مددکاران او و تقویت کنندگان حکومتش محشور داری و این کار را برای ما خالص از هر شک و شبهه و خودنمایی و شهرت‌طلبی قرار ده تا در این کار به غیر تو اعتماد نکنیم و جز (خشنودی) تو نخواهیم و تا این که ما را به جایگاه آن حضرت وارد کنی و در بهشت با او قرار دهی و پناهمان ده از خستگی و کسالت و سستی و ما را از جمله کسانی قرار ده که به وسیله آنها دینت را یاری کنی و مستحکم گردانی به آنها یاری نماینده خود را و ما را با دیگران جایگزین نکن؛ زیرا برای تو آسان است که دیگران را جای ما بگذاری ولی این کار بر ما بسیار دشوار است.»

ز- فراز پنجم

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَ الْأئِمَّةِ مِنْ بَعْدِهِ وَ بَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ وَ زِدْ فِي آجَالِهِمْ وَ أَعِزِّ نَصْرَهُمْ وَ تَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ وَ تَبَّتْ دَعَائِهِمْ وَ اجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَ عَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَانَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَ خُزَانُ عِلْمِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَ دَعَائِمُ دِينِكَ، وَ وُلَاةُ أَمْرِكَ، وَ خَالِصَةٌ مِنْ عِبَادِكَ، وَ صَفْوَةٌ مِنْ خَلْقِكَ وَ أَوْلِيَاءُكَ وَ سَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ وَ صَفْوَةٌ أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.» (طوسی، ۱۹۹۸: ۲۹۲-۲۹۳)

«خدایا درود فرست بر پیمان‌داران و پیشوایان پس از او و آنان را به آرزوهایشان برسان و بر عمرشان بیفزای و نیرومند کن پیرویشان را، کامل کن برای آنها آنچه از دستورهای خود را که به آنها واگذار کردی و پایه‌های (حکومت) آنان را پابرجا کن و ما را از مددکاران آنها و نسبت به دینت از یاران قرار ده، زیرا آنها معادن کلمات (و فرمان‌های) تو و خزینه‌دارهای دانش تو هستند و آنها پایه‌های یگانه پرستی‌ات و استوانه‌های دینت و سرپرستان دستورت و زبده‌هایی از

بندگانت و برگزیدگان از آفریدگانت و بندگان مقرّبت و نژاد دوستانت و چکیده فرزندان پیامبرت به شمار می‌آیند و سلام بر او و بر ایشان و رحمت خدا و بر کاتش باد.»

۴- مؤلفه‌های تصویر هنری در دعای امام رضا (ع)

تصویر هنری حاصل عناصر و مؤلفه‌هایی مختلف است که کلمات و عبارات به موجب آن صورت‌هایی جدید دریافت می‌کنند. در تشکیل تصویر هنری، عناصری متعدّد دخیل هستند، چنان‌که سید قطب در زمینه تصویر هنری قرآن، رنگ‌ها، حرکت، خیال‌پردازی، وصف، گفتگو، آهنگ کلمات، نغمه عبارات و موسیقی سیاق را در بروز تصویر سهیم می‌داند. (قطب: ۱۹) عناصر مؤثر در ترسیم تصویرهای هنری در کلام امام رضا (ع) نیز شامل صور خیال، عاطفه، زبان و موسیقی می‌گردد. پیش از آن‌که به بررسی این عناصر پردازیم، لازم است مختصری در مورد اندیشه‌های موجود در دعا سخن بگوییم تا در مرحله بعد مشخص شود، چه‌گونه این معانی و مفاهیم با بهره‌گیری از عناصر تصویرآفرینی به زیبایی متن کمک کرده‌اند.

"اندیشه در اثر ادبی، مهم‌ترین عنصر شمرده می‌شود، به این دلیل که سایر عناصر به خاطر مجسم کردن و توضیح و ساختن این اندیشه به گونه‌ای زیبا به کار گرفته می‌شوند، تا زمانی که ادب، تعبیری زیبا از حقایق باشد" (بستانی، ۱۴۱۴: ۳۶) این عنصر که عنصر عقلی نیز نامیده می‌شود، معانی، اندیشه‌ها، برهان و دلایل منطقی، نتیجه‌گیری‌ها، مقایسه‌ها و حرکات ذهن را به هر نوعی که باشد چه در شعر و چه در نثر دربر می‌گیرد. " (ابوحاّقه، ۱۹۹۶: ۲۸۲).

در دعای امام رضا (ع) مجموعه‌ای از افکار و اندیشه‌ها که در ارتباط و پیوستگی کامل قرار دارند ضمن هدف اصلی که دعا برای امام زمان (عج) می‌باشد، بیان شده است که می‌توان این اندیشه‌ها را به پنج دسته تقسیم نمود:

۱- در فراز آغازین دعا، «اللّٰهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَ خَلِيْفَتِكَ... وَ حَقَّهُ بِالْمَلَأَنكَ حَقًّا» امام رضا (ع) از خداوند درخواست می‌کند که امام زمان (عج) را در پناه خود نگه دارد و آن حضرت را از شرّ تمام خطرات و بلاها حفظ کند و ایشان را با سپاهیان و فرشتگانش محافظت نماید. بنابراین اندیشه غالب بر این بخش، حفاظت و مراقبت و یاری کردن امام عصر (عج) بوده است که ضمن عبارت‌هایی کوتاه و با بیان‌هایی متفاوت ذکر شده است.

۲- در بخش دوم «اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ ... سَلِّمْهُ مِنَ الدَّنَسِ»، امام (ع) از دعا برای شخص امام عصر (عج) خارج شده و وارد جنبه اجتماعی می‌شوند و امام عصر (عج) را واسطه رفع مشکلات جامعه قرار می‌دهند و از یک سو خواستار آن می‌شوند که امام زمان (عج) را وسیله برپایی عدالت و نابود کردن ظلم و ستم و ظالمان و کافران و بی‌دینان قرار دهد، رهاکنندگان را واگذارد تا آثار کفر و الحاد را در تمامی نقاط عالم محو کند و از سویی دیگر یاری‌گران او را قدرت دهد و او را مایه عزت مسلمین قرار دهد و با یاری او سنت پیامبران (ع) و آنچه را از دین و اسلام به فراموشی سپرده شده، از نو زنده کند.

۳- در بخش سوم «اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ... يَغْلِبُ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ» امام (ع) بار دیگر به دعا برای امام عصر (عج) می‌پردازند و شهادت می‌دهند که ایشان مرتکب گناه و معصیتی نشدند و نمونه پاکی هدایت و رضایت هستند و برای شخص ایشان و خاندانشان و امتشان طلب عطا و بخشش می‌کنند تا حکمشان بر تمامی حکم‌ها غلبه پیدا نماید.

۴- در بخش چهارم «اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِنَا عَلَيَّ يَدِيهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى ... هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ» امام رضا (ع) وارد زمینه‌ای دیگر از دعا می‌شوند و در این قسمت برای شخص خودشان و امتشان دعا می‌کنند، به این صورت که خواستار هدایت خویش و امتشان به وسیله امام زمان (ع) می‌شوند و همراهی و مشایعت امام (عج) و داخل شدن در دسته یاران و دوستان ایشان را طلب می‌کنند و امید دارند که از یاری‌گران دین الهی قرار گیرند.

۵- در فراز پایانی دعا «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ» امام رضا (ع) بر امامان معصوم (ع) درود می‌فرستد و برای آن‌ها از خداوند طلب پیروزی و عزت و ثبات می‌کند و به مدح و ثنای آن‌ها می‌پردازد و با سلام بر آن‌ها دعای خود را به پایان می‌برد.

حال که با مفاهیم و اندیشه‌های دعا آشنا شدیم به بررسی مؤلفه‌های تصویر هنری می‌پردازیم.

۴-۱: خیال

خیال، از مهم‌ترین عوامل اثرگذار در شکل‌گیری تصویر است. عنصر خیال " توانایی دیدن آنچه دیده نمی‌شود، حاضر کردن آنچه موجود نیست، ایجاد الفت و رابطه بین صحنه‌ها و منظره‌های مختلف به گونه‌ای است که بر خواننده اثرگذار باشد، او را در دید و نوع نگاه ادیب شریک کند و به جهانی غیر از جهان واقعی‌اش منتقل نماید." (ابوحاقت، همان: ۲۹۶) پس خیال مفاهیم مجرد و انتزاعی

را قابل حسّ و ملموس می‌کند. و "در اصطلاح نقدی معاصر بر توانایی جمع کردن بین تصاویر و ایجاد انسجام در متن ادبی دلالت می‌کند." پیوستگی میان خیال و تصویر از آن‌جا مشخص می‌شود که "تصویر، عملش را در خیال انجام می‌دهد و در آن از طریق احساس و وجدان وارد می‌شود و هیجانات و تأثیرات را در نفس برمی‌انگیزد و هنگامی که پربار باشد دقیق‌تر تصویر هنری را کشف می‌نماید و کامل‌تر آن را می‌چشد و واضح‌تر بیان می‌کند." (خالدی، ۱۹۸۸: ۱۳۱)

۴-۱-۱: کاربرد تشبیه در دعا

تشبیه، یکی از ارکان خیال در تشکیل تصویر هنری است که نقشی مهمّ در این زمینه ایفا می‌کند و در واقع "از صورت‌های بیانی زیبا، تشبیه است که شیوه‌ای دقیق و تصویرگر و بیان‌کننده از هرآن‌چه که قوای نفسانی آن را درک می‌کند یا احساسات از آن تأثیر می‌پذیرد را انتخاب می‌کند." (تواب، ۱۹۹۵: ۴۴) امام رضا (ع) در دعای امام زمان (عج) به تصویرگری با استفاده از این عنصر بلاغی می‌پردازند و پنج تشبیه را در دعای خود به کار برده‌اند، همان‌طور که نمونه آن را در فرازهای زیر مشاهده می‌کنیم:

«اللّٰهُمَّ اسْلِكْ بِنَا عَلٰى يَدِهِ مِثَاجَ الْهُدٰى»، امام رضا (ع) هدایت و روشن‌گری (الهدی) را که مفهومی عقلی و ذهنی است به صورت راه و مسیری (منهاج) ترسیم کرده‌اند که انسان‌ها به کمک امام عصر (عج) در این راه گام می‌گذارند تا به مقصد هدایت رهنمون گردند.

در این فراز از دعا هم «فَانْهَم مَعَادُنْ كَلِمَاتِكْ وَ خُرَانُ عَلِمِكْ وَ اَرْكَانُ تَوْحِيدِكْ وَ دَعَايِم دِينِكْ» امام رضا (ع) با بهره‌گیری از تشبیه جمع، چهار تصویر را از امامان معصوم (ع) ترسیم کرده و ایشان را به معدن و خزانه‌دار و پایه و ستون تشبیه کرده‌اند. از آن‌جا که امامان (ع) ظرفیتی بالا برای دربرگرفتن کلمات الهی که همان نشانه‌های آفرینش او هستند و علم الهی را دارند با تشبیه ایشان به معدن و خزانه‌دار، این ظرفیت‌پذیری را عینیت بخشیده‌اند. هم‌چنین این بزرگواران در هدایت مردم به سوی خدای یکتا، نقشی اساسی ایفا کرده‌اند، به طوری که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) عهده‌دار آشنایی مردم با دین الهی و اجرای آن در جامعه اسلامی بوده‌اند؛ بنابراین امامان (ع) هم‌چون ستون‌ها و پایه‌های یک بنا، که ساختمان بر روی آن‌ها بنا می‌شود و مستحکم می‌ماند، بنای دین بر روی پایه‌ها و ستون‌های ایشان ساخته شده است.

به دنبال آن، قدرت نابودکنندگی کفر به شیوه‌ای کاملاً هنرمندانه به شعله‌های آتش تشبیه شده است «تَطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ» امام رضا (ع) از خداوند درخواست می‌کند کفر را که همچون شعله‌های آتش همه چیز را در کام خود فرو می‌برد و نابود می‌کند به کمک امام زمان (ع) خاموش گرداند. در واقع امام (ع) نابودکنندگی کفر را که مفهومی عقلی و غیر حسی است به آتش که همه چیز را می‌سوزاند، تشبیه کرده است تا از این طریق این مفهوم را ملموس گرداند و نشان دهد که کفر باعث نابودی و تخریب می‌شود.

بنابراین امام (ع) برای مجسم کردن و سهولت درک مخاطب با استفاده از تشبیه، مفاهیم را برای مخاطب محسوس و ملموس گردانیده و از رساترین نوع تشبیه که تشبیه بلیغ است، استفاده نموده و به این وسیله بر زیبایی و گیرایی متن افزوده‌اند.

۴-۱-۲: کاربرد استعاره در دعا

یکی از ابزارهای مهم در تصویرپردازی که به تعبیر مستقیم تکیه نمی‌کند، استعاره است. به کمک استعاره می‌توان موضوعات غیر محسوس را محسوس نمود و امور غیر مجسم را تجسم بخشید و غیر آدمی را در نقش آدمی ظاهر ساخت و این‌ها خود در تأثیر بخشیدن به کلام و ایجاد جذابیت برای آن بسیار مؤثر است. (حسینی، ۱۴۱۳: ۶۰۶) در دعای امام رضا (ع) می‌توان نمونه‌هایی فراوان از استعاره را یافت که در پرتو آن‌ها معانی جان‌گرفته‌اند:

در این فراز «وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآيَاتُهُ أُمَّتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ» امام (ع) از دو تصویر استعاری استفاده نموده‌اند: استعاره اول از آن‌جا که در حرف بروز یافته است از نوع استعاره تبعیه شمرده می‌شود و آن به این صورت است که (به) که دربردارنده مفهوم معیت است به (فی) که معنای ظرفیت را القا می‌کند، تشبیه شده است، به این وسیله امام (ع) به دو هدف دست یافته‌اند: نخست این‌که نشان داده است که آیین پیامبران (ع) در دل امام زمان (عج) زنده هست و درون ایشان ظرفی مناسب برای وجود سنت و آیین شمرده می‌شود و دوم، طبیعی است که در پی وجود این آیین در دل امام (ع)، ایشان بخواهد در پی حفظ آن برآید، در صورتی که اگر از حرف (به) استفاده می‌شد تنها افاده معنای دوم را می‌کرد پس می‌بینیم که امام رضا (ع) با نهایت زبردستی، قوی بودن وجه شبه در مستعارمنه را رعایت نموده‌اند. تصویر دوم حاصل از تشبیه اهل بیت (ع) به

ستون‌های دین است از آن جهت که ایشان تکیه‌گاه بندگان برای شناخت و رسیدن به خداوند هستند از این تصویر استفاده شده است که در بخش تشبیه به آن پرداخته شد.

این تعابیر از تعبیرهای زیبا در این دعا می‌باشد «اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتَقِ بِهِ الْفَتْقَ وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ وَأُظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ وَزَيْنَ بَطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ» در این فراز، امام رضا (ع) خواسته‌اش مبنی بر این که امام زمان (ع) را منجی بشریت برای رفع مشکلات و برپایی عدالت و نابودی ظلم و ستم و بهره‌مندی از وجودشان قرار دهد در پوششی از عبارات جذاب بیان نموده‌اند؛ دشواری‌ها و مشکلاتی را که در دین به وجود می‌آید به شکل شکافی که در زمین ایجاد می‌شود (الصدع) و گسیختگی و پارگی که پدید می‌آید (الفتق) ترسیم کرده و از خدای متعال درخواست نموده‌اند که این شکاف‌ها به واسطه حضور امام عصر (عج) اصلاح شود و مشکلات مرتفع گردند و پارگی‌ها از بین بروند و در تصویر بعد، (أمت به الجور) از بین بردن ظلم و ستم هم‌چون کشتن آن است. و فعل (أزل) به (أمت) تشبیه شده و استعاره تبعیه پدید آمده است. و در عبارت بعد، عدل، مفهومی ذهنی است که هم‌چون امور محسوس نمی‌تواند به ظهور برسد؛ بنابراین (أظهر) به جای (أقم) نشسته و این تصویر پدید آمده است. و در ادامه، بهره‌مند شدن اهل زمین (تمتع) از وجود آن حضرت در تصویری زیبا به زینت یافتن زمین (زین الأرض) مانند شده است مانند، گلی که طبیعت زمین را زیبایی می‌بخشد و به این ترتیب، تصویر استعاری شکل گرفته است.

یکی دیگر از نمونه‌های تصویر استعاری را می‌توان در این عبارات مشاهده کرد «أَقْبُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُجْمَةَ وَدَعَاتِمَه، اقْصِمْ بِهِ رُؤْسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ وَمُؤْمِنَةَ السُّنَّةِ» در عبارت اول کفر به بنایی مانند شده است که بر روی تکیه‌گاه‌ها و ستون‌ها قرار دارد و در عبارت بعد، ضلالت و گمراهی هم‌چون موجودی زنده فرض شده است که دارای سر می‌باشد و مشبه با لوازم مشبه به که سر می‌باشد، ذکر شده است و امام رضا (ع) خواستار شکسته شدن سر این موجود گمراه‌کننده شده و به این وسیله به ضلالت جان بخشیده‌اند. در ادامه از بین بردن و محو نمودن سنت‌ها از ذهن آدمیان به کشتن سنت‌ها (ممیمتة) تشبیه شده است و تصویری زیبا با استفاده از استعاره تصریحیه از نابودی خلق شده است.

در فرازی دیگر از دعا که امام (ع) از خداوند درخواست نابودی کفار را می‌کنند، می‌فرمایند «طَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ»، فعل طهر و اشف که به معنای پاکیزه کردن و شفا دادن هستند برای کافران به کار نمی‌رود؛ از این رو درمی‌یابیم که امام رضا (ع) با ذکر این افعال، معانی

دیگر را قصد کرده و خالی کردن سرزمین از کافران را به پاک کردن سرزمین از آنان تشبیه کرده و آزاد ساختن بندگان از ظلم و ستم آنان را به شفا دادن بندگان از مرض کافران مانند نموده است و با حذف مشبّه، تصویر استعاری زیبایی را در این دو فعل پدید آورده‌اند که از آن با عنوان استعاره تبعیّه یاد می‌شود.

در این فراز « حَتَّى تَعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَ عَلَى يَدَيْهِ جَدِيدًا غَضًّا مُحَضًّا صَحِيحًا » دین به گیاهی تشبیه شده که تر و تازه است و روح حیات و زندگی به آن دمیده شده است. و در ادامه « حَتَّى تُتَبِّرَ بَعْدِلِهِ ظُلْمَ الْجُورِ » ظلم و ستم در این عبارت به شبی می‌ماند که تاریکی آن همه جا را فرا گرفته است و راه آزاد شدن از این تاریکی چیزی جز برپایی عدالت به دست امام مهدی (عج) نیست؛ بنابراین به کمک استعاره مکتبه، تصویری از تاریکی ظلم و روشنایی عدالت ترسیم شده است.

در این فراز از دعا «اللَّهُمَّ اسْلُكْ نَبَا عَلِيٍّ يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَى» هدایت کردن به داخل شدن در یک راه تشبیه شده است و استعاره تبعیّه را در فعل (اسلک) ایجاد کرده و مفهوم عقلی را در لباس محسوس در آورده سپس هدایت به یک راه بزرگ (المحجة العظمی) مانند شده است.

۴-۱-۳: کاربرد کنایه در دعا

کنایه‌هایی که در دعای امام (ع) به چشم می‌خورد، معانی دقیقی هستند که در پیمانه‌ الفاظی کوتاه ریخته شده‌اند. از اسباب بلاغت کنایه‌ها " این است که آن‌ها معانی را به شکل چیزهای محسوس قرار می‌دهند و بدون شک این ویژگی هنرها است " (هاشمی، ۱۳۸۵: ۲۲۲/۲) امام (ع) در دعای خویش کنایه به کار برده‌اند.

در این فراز دعا « وَ احْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنِ يَمِينِهِ وَ عَنِ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ » مقصود از برشمردن جهات مختلف آن است که ایشان از تیر رس تمام بلایا که از این سو و آن سو به طرفشان پرتاب می‌شود، محفوظ داشته شوند. بار دیگر از خداوند می‌خواهد ایشان را تحت حفاظت و مراقبت خود قرار دهد؛ اما این خواسته را این گونه بیان می‌فرماید « وَ أَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ » به این معنا که او را در زره محکم خویش ببوشان و مقصود در این جا، معنای اصلی عبارت که در ابتدا به ذهن متبادر می‌شود، نبوده بلکه قصد امام (ع)، حفاظت بوده است؛ پس از (درع) به معنای زره که جنگجویان هنگام جنگ به تن می‌کرده‌اند، استفاده می‌نمایند و این معنای ذهنی را به صورت حسی و ملموس درمی‌آورند.

«يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ» در معنای کنایی به کار رفته است که مقصود از آن، روز قیامت می‌باشد. الطامة به معنای حادثه یا واقعه‌ای است که فراگیر می‌شود، یعنی بالا می‌رود و غلبه پیدا می‌کند، به این مفهوم که بر حوادث از نوع خود تفوق می‌یابد به طوری که مانند آن نوع کم می‌شود و این کلمه از فعل طَمَ الماء گرفته شده است، هنگامی که آب همه چیز را فرامی‌گیرد و این توصیف حامل شدت و ترس است و تنها در امور رعب‌انگیز به کار برده می‌شود (ابن عاشور، ۱۳۴۳: ۸۰/۳۰) پس با به کارگیری این کلمه، تصویری هولناک از روز قیامت به نمایش گذاشته می‌شود و ترس و صحنه‌های وحشتناک روز قیامت را در ذهن انسان ترسیم می‌کند.

هم‌چنین در عبارت «تُفْتَرُ بِهِ عَيْنُهُ» معنای اصلی که روشن شدن چشم را افاده می‌کند، مدّ نظر نیست، بلکه مفهوم ثانوی مقصود است که شادمان کردن و مسرور کردن است.

۴-۱-۴: کاربرد مجاز در دعا

از گونه‌های تصویر آفرینی در این بخش می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. فرآز ابتدایی دعا «لِسَانَكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِإِذْنِكَ» امام (ع) برای بیان این سخن که امام زمان (عج) با کلام و چشمان خود در راه نشر دستوره‌های الهی قدم می‌گذارد از لفظ لسان و عین که جزئی از اعضای امام (عج) هستند، تعبیر کرده و صورت مجازی زیبایی را به تصویر کشیده‌اند.

در این جملات نیز «اجعله فی ودیعتک التی لا یضیع، وفی جوارک الذی لا یخفر... واجعله فی کنفک الذی لا یرام من کان فیهِ» هدف از بیان (فی جوارک و فی کنفک) (فی ودیعتک) این بوده است که خداوند ایشان را در نزدیکی خود قرار دهد؛ اما از این کلمات برای ملموس نمودن قرب الهی و اثرگذاری بیش‌تر استفاده شده است؛ زیرا مفاهیم جوار و کنف برای انسان، مفاهیمی آشنا و قابل درک هستند و با استفاده از کلمه (ودیعتک) هم قصد بیان نهایت حفاظت شده است، به همین خاطر کلمه ودیعه استعمال شده است؛ چون انسان از امانتی که نزدش سپرده می‌شود نهایت مراقبت را در نگاهداری‌اش به کار می‌برد، پس به کاربردن این کلمه، مفهوم حفاظت را برای خواننده عینی می‌کند.

در این فراز «أحیی به سنن المرسلین و داریس حکم النبیین» کلمه (داریس) به جای کلمه (مدرّوس) به کار گرفته شده؛ زیرا هدف حکم‌های محو شده می‌باشد نه محو کننده. از دیگر تصویرهای این دعا «لَا تَطْلُبُ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ» در این جا منظور از وجه الهی ذات خداوند است؛ زیرا خداوند داری وجه نیست و به کارگیری کلمه وجه انتقال از معنای حقیقی به معنای مجازی است و

از انواع مجاز مرسل به حساب می‌آید و به این وسیله امام (ع) خواسته‌اند که رسیدن به ذات الهی را برای خواننده واضح نمایند. عبارت (علی یدیه) چندین بار در دعا تکرار شده است که مفهوم حقیقی دست را نمی‌رساند، بلکه منظور قدرت امام زمان (عج) است که خداوند به ایشان عطا فرموده است.

۴-۲: عاطفه

اهمیت عاطفه در شکل‌گیری تصویر به اندازه ای است که "تصویر به دنیای هنر ارتقا پیدا نمی‌کند و از ارزش ادبی در آن جهان بهره نمی‌برد مگر زمانی که در آن بین به عاطفه‌ای انسانی ملحق شود" (فتوحی، ۱۳۸۹: ۶۸) عاطفه از دیگر عناصر تصویرآفرینی در دعای امام رضا (ع) است که موجب شده تصاویر از سردی و خشکی خارج گردد و روح حیات در آن‌ها دمیده شود؛ زیرا که به واسطه این عنصر، احساسات مثبت چون عشق و محبت و شادی، و احساسات منفی مانند بغض و کینه و خشم و غضب و غیره برانگیخته می‌شود و در قالب کلمات و عبارات بروز و ظهور می‌یابند.

دعا با لفظ (اللهم) آغاز می‌گردد و چندین بار در طول دعا تکرار می‌شود. خطاب قرار دادن خدای تعالی در القای حسّ عجز و ناتوانی بنده و رابطه بین خالق و مخلوق، نقشی مهم ایفا می‌کند و این حسّ را بیش‌تر را نمایان می‌سازد.

از آن‌جا که دعا، رابطه بین عبد و معبود خود است، عاطفه تضرّع، التماس و ابتهال در برابر یگانه بی‌همتا غلبه پیدا می‌کند، چنان‌چه در جای جای این دعا نیز چنین احساس می‌گردد، به طور مثال در این فراز دعا « وَ اجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ، وَ فِي جِوَارِكِ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَ فِي مَنِيْعِكَ وَ عِزِّكَ الَّذِي لَا يُفْهَرُ، وَ اَمْنَهُ بِاَمَانِكَ الْوَيْقِيْنَ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ اَمْنَتِهِ بِهِ، وَ اجْعَلْهُ فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يَرُأْمُ مَنْ كَانَ فِيْهِ، وَ اَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيْزِ » به کاربردن الفاظی چون (جوار) و (کنف) القا کننده طلب نزدیکی و قرب به خدای متعال است و کلمات (ودیعه) و (منع وعز) و (امان) و (نصر) همگی گویای آن هستند که هر کس را که خداوند چون امانتی حفظ کند و او را در امانت قرار دهد و یاری نماید از تمامی خطرات مصون و محفوظ می‌ماند؛ بنابراین برای افاده استغاثه و طلب رحم و عطف در این فراز دعا، کلمات در راستای بیان این عاطفه به کار رفته‌اند.

در عباراتی فراوان، مدح و ستایش امام عصر (عج) و سایر امامان (ع) به چشم می‌خورد که حسّ عشق و محبت و دوستی نسبت به این بزرگواران را انتقال می‌دهد. برای نمونه در قسمت آغازین دعا آمده است « اَللّٰهُمَّ اِدْفَعْ عَن وَّلِيْكَ وَ خَلِيْفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ... » و در قسمت پایانی آن «

فَأَنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ وَخَزَانُ عَمَلِكَ وَ أَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ وَ دَعَائِمُ دِينِكَ» و بسیاری از قسمت‌های دیگر دعا، مدح و ثنای ایشان و خاندانشان ظهور می‌یابد که نشان‌گر علاقه و اشتیاق امام رضا (ع) به ایشان می‌باشد.

احساس خشم و غضب از دشمنان امام عصر (عج) در چنین عبارت‌هایی ترسیم می‌شود «اخْذُلْ خَاذِلِيهِ وَ دَمِدْمِ مَنْ نَصَبَ لَهُ وَ دَمَّرْ مَنْ غَشَّهْ وَ اقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَ عُمُدَهُ وَ دَعَائِمَهُ وَ اقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَ شَارِعَةَ الْبِدْعِ وَ مُمَيَّنَةَ السُّنَّةِ، وَ مُقَوِّبَةَ الْبَاطِلِ وَ ذَلَّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ وَ أْبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ.» و افعال موجود (اخذل، دمدم، دمر، اقتل، اقصم، ذلل، ابر) در انتقال این حس که برخاسته از قلبی محزون و درمانده از کافران و ظالمان است ایفای نقش می‌کنند، ریشه کن کردن دشمنان امام (عج) به قدری اوج می‌گیرد و حسن انتقام و دشمنی فوران می‌کند که امام رضا (ع) در ادامه، درخواست محو تمامی آنان و آثارشان را از روی زمین می‌کند. «حَتَّى لَا تَدْعَ مِنْهُمْ دَبَّارًا وَ لَا تُبْقَى لَهُمْ آثَارًا»

در فرازی دیگر از دعا امام رضا (ع) حس امیدواری و خوشحالی خود را از این‌که حضرت عدالت را برپا می‌نماید و حق را اجرا می‌نماید، انتقال می‌دهند «وَ حَتَّى تُتَيَّرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ، وَ تُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَ تُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَ مَجْهُولَ الْعَدْلِ» و آینده‌ای روشن را ترسیم می‌نمایند. احساس ترس و ناکامی از این‌که جایگزینی برای داعی قرار داده شود در این عبارت «لَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرِنَا فَإِنَّ إِسْتِدْلَالَكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا كَثِيرٌ» ترسیم شده است. حس ناگواری و دشواری در اعماق این خواسته با کلمات (یسیر) و (کثیر) کامل می‌شود؛ زیرا این جایگزینی را که از یک سو خدای باری تعالی آسان و سهل توصیف می‌کند و از سویی دیگر آن را برای داعی دشوار و بسیار زیاد نشان می‌دهد.

عبدالعزیز عتیق ۵ معیار را برای سنجش عاطفه ذکر می‌کند: صدق و صحت، قوت و نشاط، ثبات و استمرار، تنوع، سمو (عتیق، ۱۹۷۲: ۱۱۴) زیبایی این عواطف و احساسات از آن‌جا است که امام رضا (ع) با قلبی آکنده از مهر و محبت و دوستی نسبت به امام زمان (عج) به نیایش با خداوند متعال می‌پردازد و تمام آنچه بر زبان جاری می‌کند منبث از احساسی صادقانه است و با وجود آن‌که عاطفه غالب، عاطفه کمک و یاری از درگاه باری تعالی است؛ اما در خلال آن عواطفی دیگر نیز وجود دارد که تمام آن‌ها در ارتباط و هم‌آهنگی با یکدیگر قرار دارند به طوری که از یک سو

عشق و محبت نسبت به امام عصر (عج) وجود دارد و از سوی دیگر خشم و کینه و نفرت نسبت به دشمنان آن حضرت. افزون بر آن، این عواطف در طول دعا استمرار دارد و با عبارتهای مختلف و کلمات گوناگون تکرار می‌گردد و همین استمرار در عواطف بر اثرگذاری دعا افزوده است.

۴-۱-۶: کاربرد زبان در دعا

"زبان عربی، زبانی بیان‌گر و تصویرگر است به نحوی که دلالت عبارات بر معانی‌اشان در این زمان دلالتی شعرگونه، هنری و الهام بخش می‌باشد." (خالدی، ۱۹۸۸: ۳۰) "این زبان با بیان هنری و برانگیختن احساسات هنری و انسانی بیش از هر زبان دیگر سازگار است و هم‌چنین با معیارهای زیباشناختی هماهنگی دارد. این نکته در ترکیب حروف، واژگان، و عبارات آن ظاهر می‌گردد. زبان عربی، زبان تصویر هنری یا (زبان مجاز) است و مجاز همان ابزار تصویر هنری است پس واژگان جامد و بی روح نیستند؛ بلکه زنده و دارای اشاره و الهام هستند" (عقّاد، بی تا: ۲۶) از عواملی که به کاربردن واژگان و عبارات باعث تصویرگری زیبا و هنرمندانه در کلام امام رضا (ع) شده است، می‌توان به تضادها و تقابل‌ها و مترادف‌ها اشاره کرد:

۴-۱-۷: تقابل

مقابله و رویارویی صحنه‌ها با یکدیگر از جمله مواردی است که باعث ایجاد تصاویر جذّاب می‌گردد، مثلاً در بخش پایانی این فراز دعا «اللّهُمَّ اسْلِكْ بِنَا... الطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي وَ يَلْحَقُ بِهَا التَّالِي» راه هدایت به شکل مرکز و راهی میانه ترسیم شده است که از دو جهت انسان‌ها به سوی آن در حرکت هستند. از یک سوی، شخص (الغالی) یعنی شخص تندرو و شخصی که پیش افتاده است و از سویی دیگر شخص (التالی) شخصی که در حال آمدن است به این راه می‌پیوندند، به این ترتیب با استفاده از دو کلمه غالی و تالی که در مقابل هم هستند، تصویری جالب توجه ترسیم شده است به گونه‌ای که اگر یکی از این دو کلمه حذف می‌شد، تصویر کنونی نیز از میان می‌رفت. از دیگر تصویرهایی که به زیبایی این دعا کمک کرده است، تقابلی است که میان این عبارات وجود دارد «وَالِ مَنْ وَالَاهِ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهِ» در عبارت اول، گروه و سپاهی از دوست‌داران امام زمان (عج) ترسیم می‌شود که در مقابل عبارت دوم که تصویر دشمنان آن حضرت است، قرار می‌گیرد. روند این رویارویی و تقابل، تصویری زنده از دوستان و دشمنان امام (عج) در مقابل خواننده قرار می‌دهد.

۴-۱-۸: تضاد

کلمات متضاد در این فراز دعا « *وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ* » به تصویر جهات شش گانه می‌پردازد و ضرورت حفاظت از امام عصر (عج) را از تمامی خطراتی که ممکن است در این جهات، از گوشه و کنار، از جلو و عقب، از راست و چپ و از بالا و پایین به ایشان وارد شود، به نمایش می‌گذارد، هم‌چنین نابودی تمامی کافران و بی‌دینان در تمامی نقاط عالم از شرق تا غرب، از خشکی و دریا، و دشت و کوه به این صورت « *جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا*، » به بیان درآمده است و امام (ع) با استفاده از عناصر طبیعت به این تصویرپردازی پرداخته‌اند.

در جایی دیگر از دعا خواستار « *تَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلُوكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبِهَا وَبَعِيدِهَا، عَزِيزِهَا وَذَلِيلِهَا* » می‌شوند، دور و نزدیک، عزیز و ذلیل، عنصرهایی مؤثر در تصویرآفرینی آن هستند و هم‌چنین تضاد بین حق و باطل در « *يَغْلِبُ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ* » صورتی از کنار زدن باطل با روی آوردن حق، تشکیل شده است. عقب نشینی باطل و پیش‌روی حق به این تصویر حرکت بخشیده است.

۴-۱-۹: توالی کلمات

به کار بردن کلمات *فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَالِدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ، وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ*، حرکت از جزء به سوی کل و به عبارتی از خاص به عام است و به تدریج به کمیّت افراد آن اضافه می‌گردد و در علم بلاغت از انواع اطناب شمرده می‌شود که از آن‌جا که متضمن دلالت بر همهٔ افراد جامعه است و در جهت تأکید هر یک به کار رفته است، از نوع اطناب‌های مفید و اثرگذار محسوب می‌شود.

در فرازهایی متعدّد، کلمات و عبارات مترادف به صورت متوالی آمده است که امام (ع) به این صورت به تأکید مفاهیم پرداخته و آن را به صورت‌های مختلف بیان نموده‌اند، مثلاً کلمات سه گانه *مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى* به معنای هدایت هستند که هر یک تصویری را ارائه می‌نماید. منهاج الهدی، راه و جادهٔ هدایت است و المحجة العظمی، جاده‌ای پهن و بزرگ را نشان می‌دهد و الطریقه الوسطی مرکز و میانه بودن جاده را ترسیم می‌کند.

معنای مشترک بین جملات این دعا « *أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حُوبًا وَلَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يُضِعْ لَكَ طَاعَةً وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً* » به خوبی پاکی امام

عصر (عج) از ارتکاب هر نوع گناه و معصیت را نشان داده و فرمانبرداری و اخلاص ایشان را با بیان عبارتهای مختلف بیان کرده است.

۴-۱-۱۰: کاربرد موسیقی در دعا

از دیگر ابزارهای اثرگذار در تصویرآفرینی، آهنگ کلمات و موسیقی عبارات می‌باشد. "ساختار آوایی در کنار ساختار تشبیهی، استعاری و کنایی در ترسیم تصاویر و هم‌چنین ایجاد فضایی اثرگذار، نقش بازی می‌کند، خواه این ساختار آوایی با آهنگ کلمات شکل بگیرد و یا با ترکیبی از این آهنگ‌ها. همه این‌ها نشأت گرفته از افق روانی ادیب و حرکت زبانی معنایی آن می‌باشد که از بافت و ترکیب جملات تأثیر می‌پذیرد." (هنون، ۲۰۱۱: ۲۴) نقش عنصر موسیقی در تصویرآفرینی‌های دعا انکارناشدنی است. در دعای امام رضا (ع) آهنگ برخاسته هم ناشی از موسیقی داخلی است هم خارجی. ایشان برای انتقال بهتر معنا از نیروی موسیقی نیز چنان‌که در ذیل خواهد آمد بهره برده‌اند.

۴-۱-۱۰-۱: فاصله

از مهم‌ترین عوامل ایجاد موسیقی در کلام امام رضا (ع) فاصله است که ایشان با استفاده از انواع مختلف آن در ایجاد توازن صوتی و انسجام آوایی دعا، نقشی به‌سزا ایفا نموده‌اند. همان‌گونه که فاصله در قرآن "در یک زمان دو بار را حمل می‌کند: باری از صدای موسیقی و باری از معنای تکمیل‌کننده آیه" (امین، ۱۹۷۳: ۲۰۱) در این دعا هم ایفای این دو نقش مشاهده می‌شود. از نمونه‌های فاصله متوازی: یخفر و یقهر، ناصریه و خاذلیه، غالی و تالی، بلادک و عبادک، ذنوب و عیوب، یسیر و کثیر، آمالهم و آجالهم، أعوانا و أنصارا و از نمونه‌های فاصله مطرف: جبارین و کافرین، دیارا و آثارا، مؤمنین و مرسلین و نبیین، جور و کفر، رجس و دنس، ذنبا و حوبا، و از نمونه‌های فاصله متوازن: غیرک و وجهک، یقهر و یخذل، الصدع و الفتق و الجور و العدل و الأرض. با بررسی فاصله‌ها مشخص می‌شود که از لحاظ معنایی با یکدیگر در ارتباط هستند که این رابطه از نوع تضاد یا ترادف یا تناسب معنایی میان آن‌ها است، مانند تضاد بین الجور و العدل یا ترادف بین ذنبا و حوبا یا تناسب بین یقهر و یخذل. همین تجانس صوتی و ارتباط معنوی بین آن‌ها موجب هم‌آهنگی بین لفظ و معنا گردیده است. از دیگر ویژگی‌های فاصله در دعا، آن است که فاصله‌ها کوتاه است و همین فواصل کوتاه و سرعت بیان آن، اثرگذاری کلام را بر شنونده می‌افزاید و تأکیدی بر معنا است.

۴-۱-۱۰-۲: تکرار

"تکرار، نقشی مهم در سطح موسیقایی دارد که از جهتی معنا را یاری می‌رساند و با آن هم‌بستگی دارد و از جهت دیگر، نقش نغمه‌سرایی را ادا می‌کند" (فتحی احمد، ۲۰۰۰: ۱۶۹)؛ بنابراین تکرار بر معنا از لحاظ قوت، شدت و تأکید می‌افزاید، زیرا افزایش مبنی، منجر به فراوانی معنا می‌شود، اگر در صداها و حروف لفظ باشد؛ اما اگر در کلمه و ترکیب باشد، وظیفه تعبیری و فکری دارد (محمد مهدی، ۲۰۱۰: ۷)؛ بنابراین در این قسم به تکرار حروف در دعا و تکرار اشتقاقی می‌پردازیم که در دعای امام (ع)، نقشی موسیقایی و معنایی ایفا می‌کند.

۴-۱-۱۰-۳: تکرار حرف

تکرار حرف نه تنها موجب ایجاد جو موسیقایی در متن می‌شود؛ بلکه بر افاده معنا نیز نقش دارد؛ زیرا در زبان عربی ویژگی‌ای وجود دارد که بینندگان را خیره می‌کند و توجه محققان را برمی‌انگیزد و آن رویارویی آواها و معانی در ترکیب الفاظ و اثر حروف در تقویت معنا و انسجام بین صدا و معنای حروفی است که الفاظ از آن‌ها ترکیب می‌شود. (مبارک، ۱۹۸۱: ۱۰۵) در این دعا نیز تکرار حروف در موسیقی متن و دلالت معنا مؤثر بوده است. حروفی که از کمیتی بیش‌تر برخوردار هستند، دو قسم می‌باشند: قسم اول؛ حروف مدّ که از میان آن‌ها الف مدّی، فراوانی بیش‌تر دارد و قسم دوم؛ حروف غیر مدّی که حرف لام و واو و همزه نسبت به سایر حروف، فراوانی‌اشان بیش‌تر است.

صداهاى مدّ، وضوح و روشن‌سازی زیادی دارند. (شاملی و حسنعلیان، ۱۴۳۲: ۶۹) به کاربردن صوت مدّ و به ویژه الف مدّی در دعای امام (ع) نیز به در جهت مفهوم موردنظر بوده است، مثلاً در این فراز دعا «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَ لِيَّكَ وَ خَلِيفَتِكَ وَ حُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ لِسَانِكَ الْمُعْبَّرِ عَنكَ، النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ بِأَذْنِكَ، وَ شَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ، الْجَحَّاحِ الْمُجَاهِدِ، الْعَائِدِ بِكَ، الْعَابِدِ عِنْدَكَ» برای توصیف امام زمان (عج) تکرار مدّ، زمینه تأمل و تفکر در مورد اوصاف امام (عج) را فراهم کرده است و خصوصیات ایشان را به نمایش گذاشته است.

صدای حرف لام ترکیبی از نرمی و انعطاف‌پذیری و استحکام و اتصال و پیوستگی را الهام می‌کند. (عبّاس، ۱۹۹۸: ۷۹) در این فراز دعا «اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَ يَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ أَنَّهُ لَمْ يُذَنْبْ ذَنْبًا وَ لَا أَتَى حُبًّا وَ لَمْ يَرْتَكِبْ مَعْصِيَةً وَ لَمْ يُضِعْ لَكَ طَاعَةً وَ لَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً وَ لَمْ يُبَدِّلْ لَكَ

فَرِيضَةً وَلَمْ يُعَيِّرْ لَكَ شَرِيْعَةً» به خوبی این دلالت معنایی آشکار می‌گردد، به این صورت که امام زمان (عج) عبودیت و بندگی خدا را با ایمانی سرشار از اخلاص و یقین به جای آورده و اتصال و ارتباطی محکمی بین ایشان و خدای تعالی برقرار گردیده است.

از دیگر حروف، حرف هاء است که اگر خفیف و لطیف و با لرزش محوی ادا شود، رقیق‌ترین و ظریف‌ترین عواطف انسانی را الهام می‌کند. (همان: ۱۹۳) حدود نیمی از تکرارهای این حرف به ضمیر هاء برمی‌گردد که مرجع آن امام عصر (عج) است «اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ.» تکرار این حرف، مهربانی و لطافت نسبت به ایشان و امتشان را القا می‌کند. و در سایر فرازها نیز مانند «وَأَنَّهُ الْهَادِي الْمُهْتَدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ» رقت و لطافتی بروز یافته است که در این عبارت نقش هدایت‌گری (ع) و طاهر بودنشان از خلال تکرار حرف هاء جلوه‌گر شده است.

۴-۱-۱۰-۴: تکرار کلمات

تکرار لفظی، پرتویی بر آنچه مورد توجه نویسنده است، می‌افکند و آن دو قسم است: اول؛ تکرار قالب و هیأت لفظ، و دوم؛ تکرار ریشه لفظ بدون ساخت (جلیلیان، ۱۳۹۴: ۴۱) در مورد تکرار نوع اول که کلمه عیناً تکرار می‌شود و در فضای موسیقایی کلام اثرگذار است، در قسمت توالی کلمات سخن گفته شد. و نوع دوم، تکرار ریشه لفظ یا تکرار اشتقاقی، اشتقاق است که بعضی الفاظ را از بعضی دیگر تولید می‌کند و آن‌ها را به یک اصل ارجاع می‌دهد که ماده آن را محدود می‌کند و همان‌طور که معنای خاص و جدید آن را الهام می‌کند، معنای مشترک اصیل آن‌ها را نیز القا می‌نماید. از نمونه‌های اشتقاق در دعا فراوان به چشم می‌خورد؛ (أنصر، نصر، ناصر، تنتصر)، و (قوّ و قوّة)، و (وال و والاه)، و (عاد و عاداه)، و (حفّ و حفّاً)، و (لم يذنب و ذنباً)، و (الهادی و المهتدی)، و (ملك و المملكات)، و (تحلنا و محله)، و (تستبدل و استبدال)، و (الكفر و الكافرين) و این تکرار اشتقاقی، ضمن این که با تکرار حروف اصلی کلمه به انتشار موسیقی در دعا کمک نموده است، در افاده معنای کلمات هم با قدرت و قوتی بیش‌تر پیش‌رفته است، برای مثال در عبارت «حَفَّه بِالْمَلَائِكَةِ حَفّاً» استفاده از فعل و مصدر (حفّ) که نقش مفعول مطلق دارد، تابلویی رسم کرده است که امام (عج) در وسط و فرشتگان دورتا دور ایشان حلقه زده‌اند و با کمک حفّاً تأکید مفهوم بیش‌تر شده است.

نتیجه‌گیری

امام رضا (ع) دعای خویش برای امام زمان (عج) را با بهره‌گیری از تصاویر هنری، پویایی و حیات بخشیده و با وجود مرکزیت دینی در این دعا، تصویر آفرینی هنری ضعیف نشده؛ بلکه امام (ع) از ظرفیت و توانایی انواع عناصر آن بهره گرفته و آن‌ها را جهت رسیدن به اهداف خود در سطحی وسیع به کار برده‌اند، به طوری که تصویرآفرینی در آن به معنایی گسترده که در نقد جدید مطرح می‌شود، نمود پیدا کرده است و ایشان از صور بلاغی، عاطفه، زبان، اندیشه و موسیقی در تصویرسازی استفاده نموده‌اند. انواع چهارگانه صور خیال، تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز در کنار عواطف متنوع و تقابل‌ها، تضادها و ترادف‌ها و فواصل و تکرار حروف در جهت مقصود به کار رفته‌اند و به این صورت معنای مورد نظر امام (ع) با کاربرد این عناصر محقق شده و بین لفظ و معنا پیوندی محکم برقرار شده است.

منابع و ماخذ

١. ابن عاشور، محمد طاهر (١٣٤٣)، *تفسير التحرير و التنوير*، القاهرة، مطبعة عيسى البابى الحلبي و شركاء، المجلد الثلاثين.
٢. ابن منظور، محمد بن مكرم (١٤٠٥)، *لسان العرب*، بيروت: دار احياء التراث العربى.
٣. أبو حاقّة، أحمد (١٩٩٦)، *البلاغة و التحليل الادبى*، بيروت، دار العلم للملايين، الطبعة الثالثة.
٤. أمين، بكرى شيخ (١٩٧٣)، *التعبير الفنى فى القرآن*، القاهرة: دارالشروق، الطبعة الاولى.
٥. بستانى، محمود (١٤١٤)، *القواعد البلاغية فى ضوء المنهج الإسلامى*، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، الطبعة الاولى.
٦. بطل، على (١٩٨١)، *الصورة فى الشعر العربى حتى أواخر القرن الثانى الهجرى*، بيروت: دار الأندلس، الطبعة الثانية.
٧. ترجمان، عباس (٢٠١١)، *تاريخ الادب لاسلامية*، بيروت: دار التبليغ الاسلامى، الطبعة الاولى.
٨. عبدالتواب، صلاح الدين (١٩٩٥)، *الصورة الأدبية فى القرآن الكريم*، لونجمان، الشركة المصرية العالمية للنشر، الطبعة الاولى.
٩. جاحظ، أبو عثمان (١٩٣٨)، *الحيوان*، تحقيق عبد السلام هارون، القاهرة: مكتبة مصطفى البابى الحلبي، المجلد الاول، الطبعة الاولى.
١٠. جرجانى، عبدالقاهر (١٩٨٩)، *دلائل الإعجاز*، تعليق محمود محمد شاكر، القاهرة: مكتبة الخانجى، الطبعة الثانية.
١١. جليليان، مريم و منصوره زركوب و سيد محمدرضا ابن الرسول (١٤٣٦)، *رؤية أسلوية فى وصية الإمام على (ع)، آفاق الحضارة الاسلامية*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگى، السنة السابعة عشرة، العدد الثانى، الخريف و الشتاء، صص ٣٥-٥٨.
١٢. حرانى، حسن بن شعبة (١٤٠٤)، *تحف العقول*، قم: انتشارات جامعة مدرسين.
١٣. حسینی، سيد جعفر (١٤١٣)، *أساليب البيان فى القرآن*، تهران: مؤسسة الطباعة و النشر.
١٤. خالدى، صلاح (١٩٨٨)، *نظرية التصوير الفنى عند سيد قطب*، عربستان: دار المنارة.
١٥. خطايى، أبو سليمان (١٩٩٢)، *شأن الدعاء*، تحقيق أحمد يوسف الدقاق، دمشق: دارالثقافة العربية، الطبعة الثالثة.
١٦. راغب اصفهانى، حسين بن محمد (١٣٨٦)، *مفردات الفاظ قرآن*، ترجمة مصطفى رحيمى نيا، تهران: سبحان.
١٧. رباعى، عبدالقاهر (١٩٧٤)، *الصورة الفنية فى شعر أبى تمام*، إربد: جامعة اليرموك.

۱۸. سلوم، داود (۱۹۶۷)، *النقد الادبي*، بغداد: مطبعة الزهراء.
۱۹. شاملی، نصرالله و سميّه حسنعليان (۱۴۳۲)، *دراسة أسلوبية فى سورة ص، آفاق الحضارة الاسلامية*، السنة الرابعة عشرة، الربيع و الصيف، العدد ۲۷، صص ۶۱-۸۴.
۲۰. شايب، احمد (۱۹۹۴)، *اصول النقد الأدبي*، قاهرة: مكتبة النهضة المصرية، الطبعة العاشرة.
۲۱. صائغ، عبدالله (بى تا)، *الصورة الفنية معياراً نقدياً*، لبيى: نشر القائدى.
۲۲. صغير، محمد حسين على (بى تا)، *نظرية النقد العربى رؤىة قرآنية معاصرة*، بيروت: دار المؤرخ العربى.
۲۳. طوسى، محمد بن الحسن (۱۹۹۸)، *مصباح المتنهد*، تصحيح حسين الأعلمى، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، الطبعة الاولى.
۲۴. فتوحى، محمود، (۱۳۸۹)، *بلاغت تصوير*، تهران: انتشارات سخن، چاپ دوم.
۲۵. فيروزآبادي، محمدبن يعقوب (۲۰۰۵)، *القاموس المحيط*، بيروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة الثامنة.
۲۶. قرطاجني، حازم (۱۹۶۶)، *منهاج البلغاء و سراج الأدباء*، تصحيح محمد الحبيب الخوجه، تونس: دارالكتب الشرقية.
۲۷. قطب، سيد (۱۴۰۸)، *التصوير الفني فى القرآن*، دارالشروق، الطبعة العاشرة.
۲۸. عباس، حسن (۱۹۹۸)، *خصائص الحروف العربية و معانيها*، قاهره: اتحاد كتاب العرب.
۲۹. عبدالله، محمد حسن (بى تا)، *الصورة و البناء الشعري*، قاهرة: دارالمعارف.
۳۰. عقاد، عباس محمود (بى تا)، *اللغة الشاعرة*، بيروت: المكتبة العصرية.
۳۱. مبارك، محمد (۱۹۸۱)، *فقه اللغة و خصائص العربية (دراسة مقارنة تحليلية للكلمة العربية و عرض للمنهج العربى الأصيل فى التجديد و التوليد)*، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۳۲. محمدمهدى، جنان (۲۰۱۰)، *الايقاع الصوتى الايحائى فى سياق النص القرآنى*، مجلة كلية التربية للبنات، المجلد ۲۱، صص ۸۳۰-۸۴۱.
۳۳. معلوف لوييس (۱۳۷۹)، *المنجد فى اللغة*، تهران: نشر سلام، چاپ اول.
۳۴. نحوى، عدنان عليرضا (۲۰۰۳)، *الأدب الإسلامى فى موضوعاته و مصطلحاته*، رياض: دار النحوى، الطبعة الاولى.
۳۵. هاشمى، احمد (۱۳۸۵)، *جواهر البلاغة*، ترجمة حسن عرفان، قم: قدس، چاپ ششم.
۳۶. هنون، هادى سعدون (۲۰۱۱)، *التصويرالفنى فى خطب المسيرة الحسينية من مكة إلى المدينة*، نجف: العتبة العلوية المقدسة.